

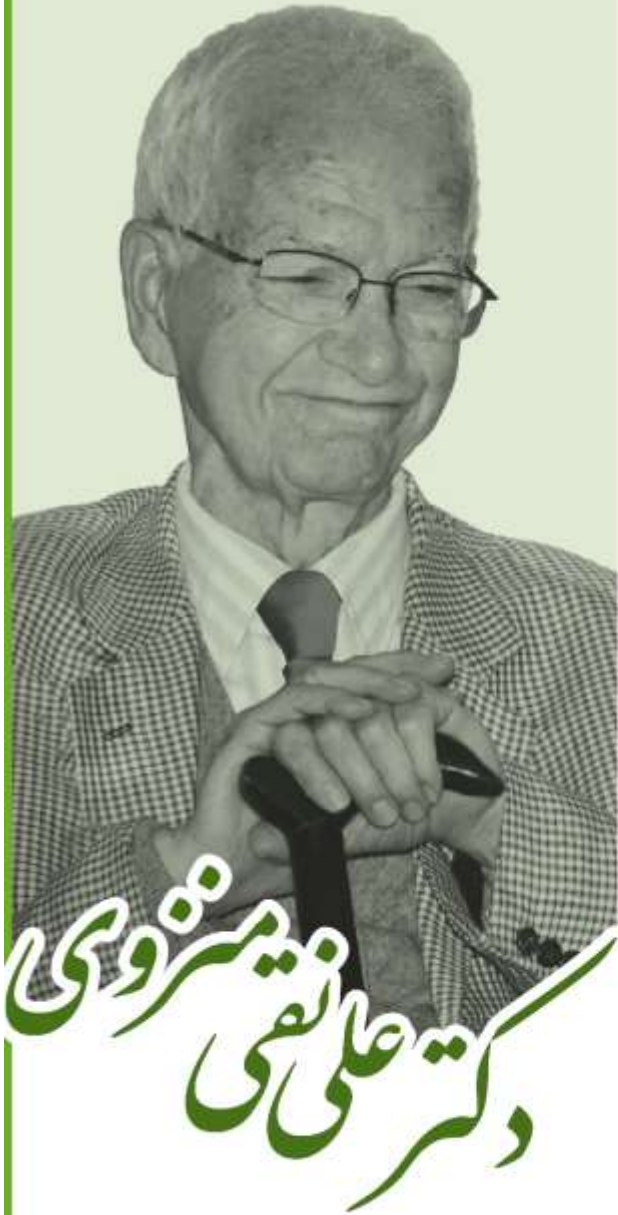
کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

## دکتر علی نقی منزوی

مجله چيستا، سال چهاردهم، شماره یک، شماره ردیف ۱۳۱، مهر ۱۳۷۵، برگه ۵۵ - ۶۴

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر



دکتر علی نقی منزوی

- ۱.....کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم
- ۱.....برخوردهای خردگرایی با قشرگرایی
- ۱.....یورش تازیان
- ۱.....۱. پیش از آمدن اعراب
- ۲.....دو سده سکوت
- ۲.....۲. دو قرن آغازین اسلام
- ۲.....توحید دوگانه
- ۲.....۳. دوگونگی توحید آشکار می شود
- ۴.....خلفای راشدین باورمند به توحید عددی
- ۴.....۴. حکومت خلفا توحید عرب را سنت و دیگران را بدعت می نامد
- ۴.....امویان و رشد خردگرایی
- ۴.....۵. رشد خردگرایی و گنوسیسم اسلامی در دوره بنی امیه در قالب دوستی خاندان پیامبر
- ۵.....عباسیان
- ۵.....۶. دوران عباسی (۱۳۲ - ۶۵۶ ق)
- ۶.....ابن عربی
- ۶.....۷. ابن عربی و فلسفه خسروانی
- ۷.....غزالی، سهروردی و ابن رشد
- ۷.....۸. سده ششم هجرت، غزالی، سهروردی، ابن رشد
- ۷.....۸-۱. غزالی
- ۹.....۸-۲. سهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷ ق)
- ۱۳.....۸-۳. ابن رشد دوم فیلسوف (۵۲۰ - ۵۹۵ ق)



۱۴	یورش مغول .....
۱۴	۹. سده هفتم و حمله مغول .....
۱۵	در شماره آینده .....
۱۷	کتابنامه .....
۱۷	نمایه کتاب و مقاله .....

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

دکتر علی نقی منزوی

مجله چیستا، شماره یک، سال چهاردهم، شماره ردیف ۱۳۱، مهر ۱۳۷۵، برگه ۵۵ - ۶۴

برخوردهای خردگرایی با قشرگرایی

یورش تازیان

۱. پیش از آمدن اعراب

چندین قرن پیش از هجوم عرب، مردم خاورمیانه با فرهنگی متناسب با زمان، زندگانی می کردند. از ساحل دجله تا سند مردمی آریایی نژاد، هندوایرانی و پیرو کتاب های ودا، اوستا و آثار بودایی [کنفوسیوس] بوده که به گونه ای توحید، نزدیک به پانته ئیسم هندی قدیم و توحید اشراقی اسلامی باور داشتند. از باختر فرات تا ساحل مدیترانه، مردم از توحید تورات و تلمودهایش پیروی می نمودند. این دو گونه ایدیولوژی خداپرستی در بین النهرین باهم درآمیخته رشد کرده و موجب پیدایش مدرسه هایی در مرزهای تلاقی آن دو منطقه شد، مدرسه جندی شاپور در خوزستان، سورا نزدیک تیسفون، نصیبین در کردستان، حران، ادیسه در سوریه نمونه آن ها به شمار است.

دکتر علی نقی منزوی

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۲

### دو سده سکوت

#### ۲. دو قرن آغازین اسلام

در سده هفتم میلاد و اول هجرت همه این دو منطقه خاورمیانه به زیر پرچم اعراب درآمد و همه درهم بیامیخت. اسلام بر طبق آیه مبارکه سوره رعد فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً<sup>۱</sup> وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ<sup>۱</sup>، مُحَسَّنات هر یک از این دو ایدیولوژی را گرفته، زشتی‌های آن دو را دور ریخت.

در دو سده آغازین که سنیانش دو قرن سلفی و متأخرین از ایرانیانش دو قرن سکوت خوانده‌اند، اسلام در هریک از این دو منطقه بر پایه اندیشه‌های پیشین و رایج در آن جا رشد کرده، قرآن کریم در خاور دجله تا سند به روشی تفسیر می‌شد که پدران مردم آن منطقه اوستا و ودا را تفسیر می‌نمودند.

قرآن در باختر فرات تا مدیترانه به سبکی تفسیر می‌گردید که پدران مردم آن جا تورات و تلمودها را تفسیر می‌کردند.

### توحید دوگانه

#### ۳. دوگونگی توحید آشکار می‌شود

در آغاز سده سوم که شمشیر عرب گند شد و آزادی نسبی اندیشه به مردم داده شد، مردم از این دوگانگی آگاه شده دیدند که دو شعار «لا إله إلا الله و محمد رسول الله» برای مردم این دو منطقه دو معنی دارد. توحید مردم در خاور دجله تا سند به

<sup>۱</sup> قرآن، سوره رعد، شماره ۱۳، آیت ۱۷: أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷) خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر دره و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش، سیلابی جاری شد، سپس سیلاب، کفی پُف کرده را به روی خود حمل کرد، و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور؛ یا کالا و متاع، آتش بر آن می‌افروزند، کفی پُف کرده مانند سیلاب بر می‌آید؛ این گونه خدا حق و باطل را به امور محسوس مثل می‌زند. اما آن کف روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته به حالتی متلاشی شده از میان می‌رود، و اما آن چه چون آب و فلز خالص به مردم سود می‌رساند، در زمین می‌ماند. خدا مثل‌ها را این گونه بیان می‌کند تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند. (۱۷)

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۳

پانته‌ئیسیم هندی شبیه است. خدا همه جا هست و هیچ جای بخصوصی نیست، توحید مردم باختر فیزیکی یا عددی و شخصی است.

نبی در باختر فرات آدمی ساده و معمولی و گاهی کم‌علم و حتی بی‌سواد بود که خداوند در هر چند قرن یک تن را باعنوان پیام‌آور می‌فرستاد و مردم بایستی از آن آدم کم‌سواد نامعصوم اطاعت کنند، در صورتی که نماینده خدا در میان مردم خاور دجله تا سند انسان کامل، اعلم الناس و در رأس هرم مدینه فاضله و حکومت آن قرارداد داشت که به گفته فارابی با عقل فعال، خدا در پیوند بود و خدا به وسیله فرّه ایزدی او را از خطا معصوم و مصون می‌داشت تا آن جا در قرن چهارم مسأله عصمت به نام قاعده لطف جزو مسائل مهم علم کلام درآمد.

دوگانگی توحید در میان مسلمانان را نخستین بار ابوالعباس عبدالله مأمون عباسی (۱۷۰ - ۲۱۸ق) در فرمان‌هایش به نام توحید درست تنزیهی (خردگرایان) و توحید نادرست تشبیهی (سُنّیان) گوشزد نموده است. همین تقسیم توحید در دو قرن بعد از آن تاریخ، در کتاب‌های سه‌روردی و شاگردانش به نام توحید اشراقی به جای تنزیهی و توحید عددی به جای تشبیهی به کار گرفته شد.

این اصطلاح جدید، اشاراتی نیز به برخی خطبه‌های نهج البلاغه دارد. خطبه‌های یکم<sup>۱</sup> و هشتاد و ششم که در آن‌ها عددی پنداشتن توحید ناصواب اعلام شده است.

اصطلاح توحید عددی و اشراقی در سده نهم هجری نیز در دو مدرسه اشراقی جای گفتگوی ما (مدرسه دوانی و مدرسه دشتکی)<sup>۲</sup> بسیار به کار رفته است.

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، خطبه یکم: *أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ تَوْجِيدُهُ وَ كَمَالُ تَوْجِيدِهِ الإِخْلَاصُ لَهُ وَ كَمَالُ الإِخْلَاصِ لَهُ تَقْيُّ الصِّفَاتِ عَنْهُ. لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمُوصُوفِ وَ شَهَادَةِ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَيْرُ الصِّفَةِ. /* آغاز دین شناخت اوست و کمال شناختش باور کردن او و نهایت از باور کردنش یگانه دانستن او، غایت یگانه دانستنش اخلاص به او و حدّ اعلاّی اخلاص به او نفی صفات از اوست، چه این که هر صفتی گواه این است که غیر موصوف است و هر موصوفی شاهد بر این است که غیر صفت است.

<sup>۲</sup> مدارس شیراز در سده نهم، دکتر علی‌نقی منزوی، مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۷۵، شماره ۲ و ۳، سال چهاردهم، شماره ردیف ۱۳۲ - ۱۳۳، برگه ۱۶۱ - ۱۷۵.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۴

در سه قرن آغازین اسلام دوگانگی مفهوم توحید و نبوت به صورت دوگانگی اندیشه در بسیاری از مفهومیها و باورهای دیگر نیز آشکار می‌گردید، مثلاً:

- آیا حُسن و قُبْح شرعی است؛ یا عقلی؟

- آیا قرآن قدیم است؛ یا مخلوق و حادث است؟

موجودات آسمانی، چون جنّ و مَلِک و معجزاتی، چون معراج و حوادث اخروی، چون بهشت و دوزخ، همگی فیزیکی، مادی و جسمانی هستند؛ یا متافیزیکی و روحانی‌اند؟ ابن‌سینا در کتاب اضحویه این باورهای مختلف را به گونه‌ای در میان دو دسته از ملت‌های شرق و غرب پیش و پس از اسلام تقسیم کرده که با تقسیم یادشده در بالا نزدیک است.

### خلفای راشدین باورمند به توحید عددی

#### ۴. حکومت خلفا توحید عرب را سنت و دیگران را بدعت می‌نامد

هرچند هجوم عرب مرزهای جغرافیایی ملت‌ها را درهم نوردید و اندیشه‌های گوناگون را با هم درآمیخت و اسلام عقاید صحیح را ابقا نمود و عقاید باطل را دور ریخت؛ لیکن دوگانگی رشد عقاید اسلامی در دو منطقه یادشده تا حدی برجا ماند و کشاکش میان آن دو باقی ماند و به جز در موارد استثنایی همیشه حکومت مرکز خلافت عرب از گروه نخست به نام سنت و جماعت حمایت نمود و گروه خردگرای مقابل ایشان را ناسنی مبتدع زیر پیگرد می‌داشت.

### امویان و رشد خردگرایی

#### ۵. رشد خردگرایی و گنوسیسم اسلامی در دوره بنی‌امیه در قالب دوستی خاندان پیامبر

منزه طلبی طبیعی مردم از خلیفگان روزگار که جز ستم از ایشان نمی‌دیدند و جز فحشا در کاخ‌هایشان چیزی نمی‌شنیدند، مذهب تشیع را در برابر مذهب حاکم سنی قرار می‌داد و آرزوهای مردم را درباره حکومتی بهتر متوجه خاندان پیامبر مینمود که چیزی جز نیک از ایشان نشنیده بودند و چاره‌ای جز امید به ایشان نمی‌دیدند؛ زیرا زنجیره سند روایت بیشتر حدیث‌های عرفانی گنوسیستی اسلام به ایشان می‌رسید.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۵

هر چند این امیدواری به خاندان پیامبر و بدبینی نسبت به خلیفگان همگانی بود؛ لیکن فرق میان دو منطقه خاوری و باختری در این مسأله نیز پیدا بود و علاقه مردم خاور به خاندان پیامبر بیشتر از مردم باختر آشکار می‌شد. رشد گنوسیسم اسلامی در سراسر دوران حکومت اموی ادامه داشت، جنگ ده ساله (۱۱۸ - ۱۲۸ ق) زیر پرچم سیاه مُرجیان<sup>۱</sup> ناسیونالیسم ایرانی را بیدارتر کرد و به زیر پرچم سیاه بومسلم خراسانی گرد آورد و بنی‌امیه را برانداخت تا شاید فرّه ایزدی و عصمت را در خاندان پیامبر هر چند در عموزادگانش بیابند.

### عباسیان

#### ۶. دوران عباسی (۱۳۲ - ۶۵۶ ق)

در این دوران در غرب فرات تسنن و در شرق دجله رشد گنوسیسم اسلامی ادامه داشت. پس از کشته‌شدن بومسلم خراسانی و انتشار احادیث عصمت حضرت فاطمه (ع) دختر پیامبر (ص) نظریه امکان انتقال عصمت و فرّه ایزدی به فرزندان دختری پیامبر، پدید آمد و غاصب‌بودن عباسیان به دنبال امویان مطرح گردید. گردن‌نهادن هفتمین خلیفه عباسی (مأمون) به سال ۲۰۳ ق به واگذاری ولایت‌عهدی به یکی از فرزندان فاطمه (ع)، منظور امام رضا (ع)، هر چند زیر فشار ایرانیان در خراسان انجام شد؛<sup>۲</sup> لیکن خود پذیرش عملی بود برای غصبی‌بودن خلافت عباسی از بنی‌فاطمه.

نظریه غصبی‌بودن خلافت در غیر خاندان فاطمه تا آن جا گسترش یافت که در سده هفتم، غصبی‌بودن خلافت را از دهان شخص خلیفه عباسی ابوالعباس احمد ناصرالدین‌الله (۵۵۳ - ۶۲۲ ق) در کاخ خود در بغداد شعری که سروده می‌شنویم که در آن شعر، مجمع و نشست سقیفه بنی‌ساعده را باطل دانسته، ابوبکر را غاصب حق علی می‌شمرد.

<sup>۱</sup> مُرجیان که بودند و چه گفتند؟، علینقی منزوی، مجله کاه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی‌قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶ م، برگه ۸-۱۳.

<sup>۲</sup> الوزراء و الكتاب، جهشیاری (د: ۳۳۱ ق)، برگه ۲۵۶.



کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۶

آری این خلیفه هنگامی این شعر را می‌سراید که با ساختن در و پنجره برای مقام غیبت امام زمان دل خود را از نبودن نامزد برای واپس گرفتن تاج و تخت عباسی مطمئن می‌سازد.<sup>۱</sup>

## ابن عربی

## ۷. ابن عربی و فلسفه خسروانی

در چنین شرایطی ابن عربی، محی‌الدین (۵۶۰ - ۶۳۸ق) مانند این‌رُشد، ابوالولید محمد فرزند احمد فرزند محمد فرزند رشد (۵۲۰ - ۵۹۵ق / ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸م) از اندلس برخاسته و برخلاف او با مسافرت به سوریه از خفقان حاکم بر شرق آگاه شد و سبب نرمش بغداد را نسبت به دوازده امامیان و گنوسیسم کوهستان کسروان دریافت. ابن عربی فلسفه خسروانی شرق را از کسروانیان لبنان با تشیع درآمیخت و در فتوحات مکیه و دیگر آثارش از ولایت معنوی امام شیعی، نه امام شمشیردار اسماعیلی دفاع نمود.<sup>۲</sup> ابن عربی از خردگرایی همشهری خود ابن‌رشد آگاه بود و برای نجات اسلام از تقشّر سلفیان راه غزالی را برگزید. او نان‌خور ایوبیان و سلجوقیان آسیای صغیر بود که هر دو نیمه‌گنوسیست و پیرو گنوسیسم بی‌رفض غزالی بودند.

<sup>۱</sup> طبقات اعلام الشیعة، سده ۷هـ، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، برگه ۴ - ۶.

<sup>۲</sup> نک: هاجسن، ترجمه بدره‌ای، برگه ۳۴۲. فرقه اسماعیلیه، مارشال گودوین سیمز هاجسن (۱۹۲۲ - ۱۹۶۸م)، ترجمه فریدون بدره‌ای (۱۳۱۵ - ۱۴۰۰خ)، نشر علمی و فرهنگی، تهران، چ. ششم، ۱۳۸۷خ.

*The Order of Assassins: The Struggle of the Early Nizārī Ismāʿīlīs against the Islamic World, The Hague, 1955; tr. Faridun Badraʿi, as Ferqa-ye Esmāʿīliya, Tehran, 1964.*

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۷

ابن عربی در سال ۶۳۲ق در اجازه‌ای که برای ملک مظفر ایوبی پسر عادل (فرمانروایی: ۶۲۶ - ۶۳۵ق)<sup>۱</sup> نگاشته، فهرست آثار خود را به ۲۸۹ عنوان می‌رساند و در یک نامه به کیکاوس اول گنوسیست سلجوقی (فرمانروایی: ۶۰۷ - ۶۱۶ق) فرستاد نیز نام ۲۴۰ اثر عرفانی خود را می‌آورد.<sup>۲</sup>

در پایان کار نیز گنوسیست‌های مسلمان از سقوط عباسیان ناخرسند نبودند، همکاری ایشان برچیدن خلافت غصبی را آسان کرد، شش امامیان به نمایندگی بزرگ فیلسوف طوس خواجه نصیرالدین (۵۹۷ - ۶۷۲ق) و داوزده امامیان به نمایندگی ابن علقمی محمد وزیر (۵۹۳ - ۶۵۶ق) و ابن طاوس، علی (۵۸۹ - ۶۶۴ق) دانشمند آگاه مؤلف تاریخ علم نجوم در آن واژگونی حضوری فعال می‌داشتند.

### غزالی، سهروردی و ابن رشد

#### ۸. سده ششم هجرت، غزالی، سهروردی، ابن رشد

##### ۸ - ۱. غزالی

چنان که پیش‌تر دیدیم غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق) از یک سو با نگارش‌هایش، به ویژه احیاء العلوم و کیمیای سعادت توانست، بر تکفیر گنوسیسم اسلامی که بر فتوای سنیان سلفی تکیه می‌داشت، خط بطلان کشد.

غزالی عرفان و تصوف را مسلمان‌نما ساخته به دربار خلافت عرب که تا آن تاریخ سلفیان‌ش، عرفان را کفر می‌شمردند، راه داد.

غزالی از سوی دیگر برای رسیدن بدین خواسته بزرگ و سودمند، از راهی زشت سود جست، او از دشمنی حکام سنی سلفی عرب با علم و فلسفه سوء استفاده نموده برای ارضای حکام عرب در کتاب‌های مقاصد الفلاسفة و تهافت الفلاسفة و دیگر

<sup>۱</sup> زامباور، ۱۵۱. نسب‌نامه خلفا و شهریاران، زامباور، ادوارد ریتر فون (۱۸۶۶ - ۱۹۴۷)، هانور، ۱۹۲۷، محمدجواد مشکور، کتاب‌فروشی خیام، تهران، ۲۵۳۶ ش / ۱۳۵۶ خ.

<sup>۲</sup> همان جا.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۸

آثارش، بر خردگرایی و عقل بتاخت و نیاز مذهبی مردم عقب افتاده نیز با کمک دولت سُنی سلفی خلیفه، این قشرگرایی غزالی را پذیرفت، پخش می نمود.

غزالی برای تقویت دربار عرب، فلسفه و عقل مشایی ارسطو - ابن سینا را تکفیر کرد. از این رو، غزالی به درستی در شمار عُقلای بر خلاف عقل شمرده شد. آری غزالی در بخش هایی از سرزمین اسلام (غرب فرات تا مدیترانه) که تسنن در آن جا ریشه داشت، ریشه عقل و خردگرایی را سوزانید.

غزالی سه اصل مُسلم خردگرایانه فلسفه گنوسیسم اسلامی را از عرفان اسلامی جدا نمود، سپس آن سه اصل را تکفیر کرد که در برگیرنده:

۱- فیض خداوند متعال ازلی و ابدی است، هم چون پرتو خورشید است، هم چنان که خورشید بی نور، خورشید نیست، خدای بی جهان نیز چنان است، میان علت و معلول تفکیک نتوان کرد؛

۲- پدیده های جهان آخرت: معاد، بهشت، دوزخ و ... متافیزیک و روحانی است، نه جسمانی و مادی؛

۳- آگاهی خدا از جهان کلی است، پس به جزئیات امور از راه کلی قانون علیت آگاهی دارد.

پس از غزالی، ابن ملکا ابوالبرکات هبة الله بن علی بن ملکا (۴۸۰ - ۵۴۷ق) پزشک و فیلسوف یهودی از مردم بلد بیامد. او هنگامی که ناگزیر شد مسلمان بشود، برای آن که فرزندانش که یهودی می ماندند از ارث محروم نشوند، همه دارای خود را به ایشان بخشود. این مرد در کتاب معتبر که در سال ۱۳۵۸ق در هند به چاپ شده است، راه قشرگرایی تسنن غزالی را می پیماید و از آن دفاع می کند<sup>۱</sup>.

پس از مرگ غزالی سُنی و ابن ملکای یهودی، دو ستاره درخشان را می بینیم که یکی از سهرورد زنجان و دیگری از سرزمین دور اندلس برخاستند:

<sup>۱</sup> برای شناخت بیشتر ابن ملکا، نک: طبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه، ج ۱، ۲۷۸ [کتاب عیون الانباء فی طبقات الأطباء، چاپ امرؤالقیس بن طحان (آوگوست مولر)، کونیگسبرگ و قاهره ۱۲۹۹ / ۱۸۸۲، چاپ افست انگلستان ۱۹۷؛ عیون الانباء، ترجمه ذاکر، ج ۱، ۶۵۱ - ۶۵۵]؛ إخبار الحکماء، قفطی، برگه ۲۲۴؛ وفیات، ابن خلکان، ج ۵، ۱۲۴؛ حکماء الاسلام، ۱۵۲؛ خزائن الکتب القدیمة فی العراق، کورکیس عواد، برگه ۱۳۴ و جز آن ها.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۹

الف) سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ق)؛

ب) ابن رشد (۵۲۰-۵۹۵ق)

ایشان دو راه خردگرایی بازکردند که هر یک از راهی جداگانه، اسلام را از توقف در بن بست تسنن سلفی رهایی می بخشیدند.

### ۸- ۲. سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ق)

یحیی بن حبش بن میرک در سهرورد زنجان زاده شد و در مراغه بیاموخت و به حلب رفت. حدس زده می شود که یکی از انگیزه های سفر او به سوریه نزدیک شدن به مرکز فلسفه خسروانی باشد که آموزش های عرفانی ایشان در کوهستان لبنان شهرت می داشت که تا به امروز نیز به جبال کسروان مُعَرَّب خسروان شهرت دارد.

سهروردی در کتاب خود حکمت اشراق، خود را پیرو آن مدرسه و آن را بازمانده فلسفه ایران ساسانی می شمرد. این کوهستان لبنان در شش سده، سه سده پیش و سه سده پس از اسلام به صورت پناهگاه فیلسوفان و عارفان درآمد بود که از طرف دولت روم در قسطنطنیه و اسکندریه زیر پیگرد بودند. ایشان از آزادی های اولیه دولت اسلام استفاده کرده در این کوهستان دور افتاده لبنان نسل به نسل زندگی می کردند.

یکی از مظاهر استفاده ایشان از این آزادی اسلامی آن که کتاب اثولوجیای افلوپین (۲۰۴ - ۲۷۰م)، پس از تکفیر و طرد شدن در رُم و اسکندریه، در همین کوهستان لبنان در سایه امنیت ناشی از دوری از دسترس کشیشان و تکفیرکنندگان رومی محفوظ ماند تا در سده سوم هجری به دست عبدالملیح بن ناعمه حمصی به تازی برگردانیده شد و کندی، یعقوب بن اسحاق (د: ۲۵۸ق) آن را ویراستاری و اصلاح نمود و به احمد بن معتصم پیشکش کرد.

شاید سهروردی برای جستجو از آثار فلاسفه خسروانی به سوریه رفته بود، به ویژه که در آن روزگار سوریه زیر حکومت خاندان ایوبی کردان نیمه گنوسیست پیروان غزالی می بود و سهروردی هر چند تندروتر از غزالی بود، خود را ضد غزالی نمی دید و خطری از طرف ایوبیان احساس نمی کرد؛ لیکن ترکان سلجوقی سنی ایران، پس از مرگ غزالی در زیر فشار خلیفگان عرب بغداد و ترس از اسماعیلیان الموت، بر ضدیت و دشمنی غزالی با تشیع تکیه داشتند و گنوسیسم غزالی را به فراموشی سپرده، گنوسیست های حاد مسلمانان، چون عین القضاة را با همه تظاهر که به دوری از تشیع و پیروی از تسنن غزالی می نمود در همدان که از مراکز گنوسیسم اسلامی بود به سال ۵۲۵ق کشتند، چه رسد به سوریه که مد تسنن سلفی روزافزون بود و حاکمان

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۰

ایوبی آن جا هر چند کرد و نیمه گنوسیست بوده خود را پیرو غزالی می شمردند، برای خودشیرینی نزد خلیفگان عرب بغداد که می خواستند ریشه گنوسیسم رافض را از مصر اسماعیلی آن روز براندازند، آشکارا ضد هرگونه گنوسیسم، هر چند غیر رافضی باشد، می جنگیدند.

سهروردی در چنین روزگاری به حلب رسید و به گفته خلکان از سوی سنیان به بی دینی و زندقیت و باورداشتن به راه فیلسوفان کهن متهم شد. حاکم حلب ظاهر (۵۸۲ - ۶۱۳ق) <sup>۱</sup> پسر صلاح الدین ایوبی او را زندانی کرد، سپس به دستور پدرش صلاح الدین ایوبی، او را در سن ۳۸ سالگی، در پنجم رجب سال ۵۸۷ در دژ معروف حلب خفه کرد.

جنازه اش چند روز بیاویختند، سپس خلکان از سبط ابن جوزی آرد که پس از پایان نماز آدینه سلخ ذی حجه سال ۵۸۷ جنازه سهروردی را از زندان بیرون آوردند و یارانش پراکنده شدند.

پس از شهادت زیر شکنجه سنگ دلانه سهروردی مدت ها کسی جرأت نداشت نام او را بر زبان آورد. قرن ها کسی حق نداشت او را به بزرگی نام برد. همه جا او را به جای واژه شهید با واژه توهین آمیز مقتول می خواندند و می نوشتند <sup>۲</sup>. این خشونت مذهبی تا سقوط خلافت عرب هم چنان ادامه یافت.

ابن جوزی عنوان کتاب هایی که به سهروردی نسبت داده شده، چنین می آورد:

- تنقیحات در اصول فقه <sup>۳</sup>؛

<sup>۱</sup> زامبارو، برگه ۱۵۲. نسب نامه خلفا و شهریاران، زامبارو، ادوارد ریتز فون (۱۸۶۶ - ۱۹۴۷)، هانور، ۱۹۲۷، محمدجواد مشکور، کتاب فروشی خیام، تهران، ۲۵۳۶ ش / ۱۳۵۶ خ.

<sup>۲</sup> شهاب الدین سهروردی مقتول، حسین نصر، ترجمه رضا ناظمی، در تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمدشریف، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ خ.

<sup>۳</sup> کتاب التنقیحات فی اصول الفقه (الحکمة الاشرافیة المجموعة الكاملة لمصنفات شهاب الدین یحیی السهروردی)، شهاب الدین ابوالفتح یحیی فرزند حبش سهروردی (ک: ۵۸۷ق)، المجلد الحادی عشر، به کوشش علی عابدی شاهوردی و محمدملکی، انتشارات ادیان و مذاهب، قم.

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۱

- تلویحات در عرفان<sup>۱</sup>؛

- هیاکل النور<sup>۲</sup>؛

- حکمت الاشراف<sup>۳</sup>؛

- غربة الغربية که همانند رسالة الطير و حی بن یقظان ابن سیناست<sup>۴</sup>.

آن چه بیشتر در دو مدرسه دشتکی و دوانی جای گفتگو بود، هیاکل النور است که متنی کوچک و فلسفی از دیدگاه اشراقی و در هفت هیکل است، بدین شرح:

- مقدمه نزدیک به صد کلمه (چ. مصر، ۱۹۵۷ م، برگه ۴۵)؛

- هیکل نخست درباره جسم، پیرامون ۹۰ کلمه (چ. مصر، ۱۹۵۷ م، برگه ۴۷)؛

- هیکل دوم (چ. مصر، ۱۹۵۷ م، برگه ۴۹ - ۵۶)؛

- هیکل سوم سه حالت: وجوب؛ امکان؛ امتناع (چ. مصر، ۱۹۵۷ م، برگه ۵۷ - ۵۸)؛

<sup>۱</sup> التلویحات اللوحية و العرشية، یحیی بن حبش سهروردی، بخش طبیعیات از کتاب تلویحات، چاپ حسین سیدموسوی، تهران ۱۳۸۰ خ؛ یحیی بن حبش سهروردی، منطق التلویحات، چاپ علی اکبر فیاض، تهران ۱۳۳۴ خ؛

<sup>۲</sup> هیاکل النور، شهاب الدین یحیی فرزند حبش (ک: ۵۸۷ق)، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۳۵ ق / ۱۹۱۶ م؛ منصور بن محمد دشتکی، اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور، چاپ علی اوجبی، تهران ۱۳۸۲ خ.

<sup>۳</sup> حکمة الاشراف، شهاب الدین ابوالفتوح یحیی فرزند حبش سهروردی (ک: ۵۸۷ق)، تصحیح هانری کربن، انستیتوی ایران و فرانسه، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۷۰ م؛ ترجمه جعفر سجادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ خ؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۰ خ.

<sup>۴</sup> رسالة غربة الغربية، شهرزوری این را به همین نام یاد کرده است، اما ریتز آن را به نام (الغربة الغربية) آورده است. داستانی است که سهروردی آن را به رمز به عربی نگاشته و در نگارش آن از رساله (حی بن یقظان) ابن سینا مایه گرفته، یا بر آن منوال نگاشته است؛ یحیی بن حبش سهروردی، مجموعة مصنفات شیخ اشراق، چاپ هانری کوربن، تهران ۱۳۵۵ خ.

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۲

- هیکل چهارم توحید، به معنی اشراقی، پانته‌ئیستی و نه توحید عددی سنی در پنج فصل: یکم) توحید نور؛ دوم) تفکیک و درجه‌بندی نور؛ سوم) از یکی جز یکی نیاید (قاعده صدور)؛ چهارم) سه جهان عقل، نفس و جسم؛ پنجم) جاودانگی جهان که فیض لایزال خداوند متعال است؛

- هیکل پنجم حرکت دوری است (ج. مصر، ۱۹۵۷م، برگه ۶۸) که این هیکل خود دو فصل دارد. دشتکی در شرح هیکل النور برای این هیکل یک مقدمه در دو مطلب پیش درآمد ساخته:

یکی) بینهایت چیست؟

دومی) ابعاد متناهی هستند؛

فصل اول هیکل پنجم حرکت فلک خودجوش از نفس ازلی اوست؛

فصل دوم خود فلک و حرکت آن فیض ازلی الهی جلّ جلاله او هستند؛

- هیکل ششم روان آدمی جاودان است و از تن جدا می‌شود و به جهان نور می‌پیوندد (ج. مصر، ۱۹۵۷م، برگه ۸۰ - ۸۵)؛

- هیکل هفتم چگونگی پدیده ارتباط روانی آدمی با جهان نور در حالت خواب؛ یا جنون (ج. مصر، ۱۹۵۷م، برگه ۸۵ - ۹۰)؛

نظریه‌های سهروردی که وی آن‌ها به فیلسوفان خسروانی نسبت داده از آن‌ها دفاع می‌کند، درست همان سه اصل یادشده و مردود غزالی است.

او در فصل پنجم هیکل چهارم اصل اول غزالی را شکسته، جاودانگی جهان را که فیض ازلی خداست، مطرح می‌کند.

او در هیکل پنجم حرکت جهان را ابدی و خودجوش و دوری نه مستقیم می‌شمرد و از آن فصل سوم هیکل چهارم، ضدّ اصل سوم غزالی کلی بودن علم خدا استنباط می‌شود.

<sup>۱</sup> اشراق هیکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور، غیاث‌الدین منصور فرزند صدرالدین محمد دشتکی (۸۶۶ - ۹۴۸ق) دست‌نوشته کتابخانه ملی ایران، برگه ۱۱۰ ب - ۱۱۹.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۳

همین اختلاف‌هاست که مدت‌ها در مدارس خاورمیانه، به ویژه دو مدرسه دشتکی و دوانی مورد بحث و کشاکش بود و کتاب‌هایی به نام محاکمات و داوری برای آن‌ها تألیف شد که برخی از آن‌ها در الذریعة، ج ۲۰، ۱۳۱ - ۱۳۷ معرفی شده است. اینک ترجمه فارسی شعری از سهروردی که گویی از خیام به عربی ترجمه کرده باشد. این سروده برای شناخت اندیشه سهروردی سودمند است.

از نعمت‌ها بهره‌ور شو، عمر تو گذران است  
زندگی را مغتنم شمر که جاودانه نیست  
اگر لذتی به دست آوردی استفاده کن  
مبادا یاوه‌سرایی، ترا از آن بازدارد  
صبح را به غبوق پیوند ده؛ زیرا  
دنیا یک روز است که تکرار می‌شود  
به تو نوید می‌دهند که در بهشت خواهی نوشید  
لیکن اگر نهی امروزشان را بپذیری پیشیمان خواهی شد  
چه ملت‌ها نابود شدند، چه بسیار خانه‌ها ویران گردیدند  
چه بسا پیامبران که قانون‌های کهن نهادند  
و چه بسیار پرستنده که نمازها گزاردند<sup>۱</sup>

### ۸ - ۳. ابن رشد دوم فیلسوف (۵۲۰ - ۵۹۵ق)

ابن رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، با آوازه حفید، نواده ابن رشد اول (۴۵۷ - ۵۲۰ق) است که قاضی بود. وی ۱۵ سال پس از مرگ غزالی در محیط اسپانیا در خانواده قاضی و نیمه‌روشنفکر به دنیا آمد و رشد کرد و با اندیشه‌های ارسطو که به تازگی در اورپا شناخته می‌شد از راه زبان لاتین آشنا گردید.

او در برابر کوشش‌های ضد ارسطویی غزالی ایستادگی نمود و فلسفه مشایی ارسطو را بر فلسفه اشراقی افلاطونی و نیز بر مشایی افلاطونی زده ابن سینا و وارث او گنوسیسم اسلامی، به ویژه گنوسیسم سنی زده غزالی ترجیح داد. این مرد خردگرا در تألیفات خود، به ویژه تهافت‌التهافت نه تنها قشرگرایی‌ها و تکفیر سه اصل یادشده غزالی را درهم می‌کوفت؛ بلکه جنبه‌های ایده‌آلیستی گنوسیسم و فلسفه اشراق را حتی در اشارات ابن سینا مردود شمرد. همان اندازه که غزالی تسنن سلفی را با اصول گنوسیستی اشراقی تفسیر می‌کرد و مطابقت می‌داد، ابن رشد اخبار سنی سلفی را در کتاب خود فصل الخطاب فیما بین

<sup>۱</sup> نقل از مقدمه محمد عبدالحق و محمد یوسف کوکن بر شواکل الحور دوانی - سهروردی، چ. مدراس هند، ۱۹۵۳م.



## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۴

الشريعة و الحكمة من الاتصال<sup>۱</sup> به راه فلسفه مشایی تفسیر می‌کرد و مطابقت می‌داد و با بررسی فلسفه ارسطو از راه زبان لاتین که آموخته بود، مشاگرایی شفای ابن‌سینا را بر اشراق او در اشارات ترجیح داد و چون ابن‌رشد بر خلاف هم‌شهری اش ابن‌عربی، به خاور نیامده بود و از خفکان عباسی - بویه‌ای بر محیط ابن‌سینا خبر نداشت. از این‌رو، اشراق ابن‌سینا را ناشی از کم‌دانشی او شمرد، نه ترس و تقیه.

### یورش مغول

#### ۹. سده هفتم و حمله مغول

دستگاه خلافت عرب و ارتش آن نیروی بازدارنده‌ای داشت که بر نیروی گریز از مرکز ناسنیان چیره بود و از جدا شدن ملت‌های ناسنی جلویی می‌کرد و پوششی بود که رنگ‌های گوناگون مذاهب را می‌پوشانید. کوشش‌های مخالفان ملی و مذهبی خلافت چه پنهانی در شهرها و چه علنی در کله کوه‌ها از قاینات تا الموت، حتی با همه همکاری‌های بیست ساله دانشمندانی، چون خواجه نصیر طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق) با اسماعیلیان به جایی نرسید تا آن‌گاه که پس از رسیدن موج مغولان به پایگاه الموت، فرماندهان دژ به اتفاق خواجه نصیر از آن جا فرود آمده با مغولان سازش نموده، در گشودن بغداد و براندازی خلافت جوړ ناصیان همکاری کردند.

ذوق‌های سرکوب‌شده هنری پس از سقوط بغداد رشد کرد. اختلاف‌های ایدیولوژیک که سرکوب می‌شد و به صورت ترور ظاهر می‌گردید، در این دوره به راه بحث و قلم آشکار شد و رونق گرفت. رصدخانه مراغه با کتابخانه بزرگ آن به راه افتاد. مکتب‌های هنر نقاشی مراغه و بغداد و سپس هرات پدیدار گشت و شکوفا شد.

هر یک از این استان‌های کشور تا دو قرن پس از این تاریخ، به صورت حکومت فئودالی محلی، مستقل کار می‌کرد. آزادی عمل استان‌ها سبب شد که اندیشه‌های رسوبی کهن پدران سامی، توراتی سنی در باختر و اندیشه‌های آریایی متأثر از ودا و اوستا در خاور، هر یک به رشد جداگانه خود ادامه دهد. این روند پس از دو قرن بی‌خلیفگی در اثر طمع قشرگرایان غرب فرات

<sup>۱</sup> فصل المقال في تقرير ما بين الشريعة والحكمة من الاتصال، ابن‌رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، حفید ابن‌رشد اول (۴۵۷ - ۵۲۰ق)، تصحیح نادر بیر نصری، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۸۶م؛ دیگر: ترجمه جعفر سجادی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶خ.

## کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۵

به بازگرداندن مرکز سرکوبگری تسنن، این بار به نام خلافت عثمانی ترکان و مقاومت ایرانیان در برابر آن به تقسیم مجدد خاورمیانه در سال ۹۰۵ ق انجامید.

مذهب تسنن در ایران، پس از سقوط بغداد به سال ۶۵۶ ق، کم کم از صورت مذهب حکومتی به زوط دولت نژادپرست عرب درآمد، اندک اندک صورت مذهبی ساده به خود می گرفت. بسیاری از زردشتیان به اسلام غیر دولتی جدید رو آوردند با پایان قدرت بغداد، گنوسیست‌ها نیز از صورت مذهب مظلوم و زیر فشار درآمدند و کم کم سنی و شیعه به صورت دو روش مذهبی برابر درمی آمدند؛ لیکن بازهم خردگرایی مردم ایران رو به رشد بود، تألیفات غزالی رییس دانشگاه بغداد، به ویژه دو کتاب مقاصد الفلاسفة و تهافت الفلاسفة او، چنان که دیدیم با آثار ابن‌ملکا (د: ۵۴۷ ق) یهودی مسلمان شده، همراه شده بودند و ریشه خردگرایی را در میان سنیان باختر فرات می سوزانیدند؛ لیکن در ایران کمتر اثر داشت.

ستارگانی، چون ابهری (د: ۶۶۲ ق) و خواجه نصیر طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق) راه خردگرایی را در شرق دجله تا سند بازنگاه داشتند و روابط ادبی نظم و نثر با هند گسترش یافت، در صورتی که در باختر قشرگرایی ابن‌ملکا روزافزون بود تا نوبت به تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ ق) در سوریه و جانشینان وهابی او در صحرا فرارسید.

### در شماره آینده

دو قرن بی خلیفگی (۶۵۶ - ۸۵۶ ق) سقوط خلافت عباسی بغداد و سقوط قسطنطنیه، رشد فرهنگ و هنر در آن مدت خریداری کردن ترکان نام خلافت عرب را که از یک مدعی نوادگی عباسیان و تأسیس خلافت قشرگرایی عثمانی، مقاومت ایرانیان در برابر آن به تقسیم مجدد خاورمیانه در مرزهای پیش از اسلام می انجامد.

خلیفه عثمانی در گزینش داوری‌نامه میان قشرگرایی غزالی و خردگرایی ابن‌رشد، داوری‌نامه قشرگرایی خواجه‌زاده را بر داوری خردگرایانه ملاعلی طوسی (د: ۸۸۷ ق) ترجیح می دهد و طوسی به ایران می گریزد.

**تأسیس مدارس فلسفی در سده نهم هجری در فارس، بدین سو انجامید که:**

۱. مدرسه گوشه‌کناری و نامه‌های بازماند از قطب محیی که به زبان فارسی پیش از آلوده شدن به لهجه مهاجران از عثمانی

نوشته شده، در دسترس هستند؛

دکتر علی‌نقی میمنوی

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۶

۲. مدرسه دشتکی و تاریخچه آن: به دنبال سیاست واپسگرای شاه طهماسب، دشتکی از وزارت برکنار شد، ولی هم‌چنان لقب «عقل حادی عشر» هنوز بر کتاب‌های این فیلسوف ثبت است؛
۳. مدرسه دوانی، جلال‌الدین محمد فرزند اسعد (۸۳۰ - ۹۰۸ ق).  
هیاکل‌النور سهروردی و پان‌تته‌ئیسیم او پس از چهارده قرن مورد کشاکش میان دو مدرسه دشتکی و دوانی قرار گرفت.

دکتر علی نقی  
نیم‌سنزوی

## کتاب‌نامه

## نمایه کتاب و مقاله

*The Order of Assassins: The Struggle of the Early Nizā'ī Ismā'īlīs against the Islamic World, The Hague, 1955; tr. Faridun Badra'i, as Ferqa-ye Esmā'iliya, Tehran, 1964.*

آثار بودایی [کنفوسیوس]

اتولوجیا، افلوطین (۲۰۴ - ۲۷۰م)، ترجمه به عربی ابن ناعمه حمصی عبدالمسیح فرزند عبدالله فرزند ناعمه (ز: ۲۲۰ق)، ویرایش یعقوب کندی، برداشت از تاسوعات فلوطین، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۴ق؛ دیگر: تحقیق عبدالرحمان بدوی، با نام افلوطین عند العرب، قاهره، ۱۹۵۵؛ برگردان به پارسی حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۸.

إحياء علوم الدين، امام غزالی ابوالمحماد محمد فرزند محمد (۴۵۰ - ۵۰۵ق)، چ بولاق ۱۲۸۹ق؛ إحياء العلوم الدين، امام محمد غزالی (د: ۵۰۵ق)، برگردان مؤیدالدین محمد خوارزمی به سال ۶۲۰ق، تصحیح حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۱خ.

إخبار العلماء بأخبار الحكماء، تاریخ الحكماء، قفطی، جمال الدین ابوالحسن علی فرزند قاضی یوسف فرزند ابراهیم فرزند عبدالواحد شیبانی (۵۶۳ - ۶۴۶ق)، به کوشش یولیوس لیپرت، لایبزیگ، ۱۳۲۱ق / ۱۹۰۳م؛ ترجمه محمد فرزند علی فرزند محمد خطیبی روزنی (۱۰۹۹ق) به دستور شاه سلیمان صفوی، تصحیح بهین دارایی، دانشگاه تهران. ۱۳۴۷خ.

اشراق هیاکل النور لكشف ظلمات شواكل الغرور، غیاث الدین منصور فرزند صدرالدین محمد دشتکی، تصحیح علی اوجبی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۲خ.

الأضحوية في المعاد، ابوعلی ابن سینا، حسین (۳۷۰ - ۴۲۸ق)، تحقیق سلیمان دنیا، ۱۹۹۴؛ ترجمه رساله اضحویه، نویسنده ناشناس، پارسی تصحیح به همراه تعلیقات حسین خدیوچم بر اضحویه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰خ.

الأنوار الساطعة في المائة السابعة، طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م.

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۸

- اوستا، زرتشت (۵۸۳ پ.م)، دوست‌خواه، انتشارات مروارید، تهران، چاپ هشتم، جلد دوم، ۱۳۸۱ خ.
- تاریخ حکماء الإسلام؛ یا تنمة صوان الحکمة، ابوالحسن ظهیرالدین علی فرزند زید بیهقی، ابن فندق، فرید خراسان، تحقیق محمد کردعلی، مطبوعات المجمع علمی العربی بدمشق، مطبعة العربی، دمشق، ۱۹۴۶ م.
- تلمود، گنجینه‌ای از تلمود، راب، دکتر ا. کهن، امیر حسین حیدری‌پور، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲ خ.
- تلویحات در عرفان، سهروردی شهاب‌الدین سهروردی
- التلویحات اللوحیة و العرشیة؛ یحیی بن حبش سهروردی، بخش طبیعیات از کتاب تلویحات، چاپ حسین سیدموسوی، تهران ۱۳۸۰ خ؛ یحیی بن حبش سهروردی، منطق التلویحات، چاپ علی اکبر فیاض، تهران ۱۳۳۴ خ؛
- تنقیحات در اصول فقه شهاب‌الدین سهروردی
- التنقیحات فی اصول الفقه (الحکمة الاشرافیة المجموعة الكاملة لمصنفات شهاب‌الدین یحیی السهروردي)، شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی فرزند حبش سهروردی (ک: ۵۸۷ ق)، المجلد الحادی عشر، به کوشش علی عابدی شاهرودی و محمد ملکی، انتشارات ادیان و مذاهب، قم.
- تهافت التهافت، ابن‌رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، با آوازه حفید، نواده ابن‌رشد اول (۴۵۷ - ۵۲۰ ق)
- تهافت التهافت، ابن‌رشد، ابوالولید محمد فرزند احمد فرزند اندلسی (۵۲۰ - ۵۹۵ ق / ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸ م)، چاپ بیروت، ۱۹۳۰ م؛ تصحیح سلیمان دنیا. مصر ۱۹۶۴.
- تهافت الفلاسفة و مقاصد الفلاسفة، غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م) ابوحامد محمد بن محمد بن محمد بن محمد. امام حجت‌الاسلام غزالی طوسی، به کوشش موریس بریج، المطبعة الكاثولکیة، بیروت، ۱۹۳۷ م؛ دیگر: تحقیق سلیمان دنیا، دارالمعارف، مصر.
- تهافت الفلاسفة؛ یا تهافت الفلاسفة، غزالی (د: ۵۰۵ ق)، چاپ موریس یوسز، بیروت، ۱۹۲۷ م؛ چاپ دیگر: تصحیح و مقدمه فخری، بیروت، ۱۹۹۰.
- تورات

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۱۹

حکمة الأشراف، شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی فرزند حبش سهروردی (ک: ۵۸۷ق)، تصحیح هانری کربن، انستیتوی ایران و فرانسه، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۷۰ م؛ ترجمه جعفر سجادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵ خ؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۰ خ.

حی بن یقظان و سلامان و ابسال، سجادی، ضیاء الدین، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۲  
حی بن یقظان، ابن سینا (د: ۴۲۸ ق / ۱۰۳۷ م)، به کوشش آوگوست فردیناند میکال مهنر، رسائل الشیخ رئیس ابی علی  
الحسین عبدالله بن سینا فی اسرار الحکمة المشرقیة، در ۱۳۰۶ - ۱۳۱۷ ق / ۱۸۸۹ - ۱۸۹۹ م، لیدن.  
حی بن یقظان لابن سینا و ابن طفیل و السهروردی، احمد امین، قاهره در ۱۳۳۱ خ / ۱۹۵۲ م.  
خزائن الكتب القديمة في العراق منذ أقدم العصور حتى سنة ۱۰۰۰ للهجرة، کورکیس عواد (۱۹۰۸ - ۱۹۹۲ م)، دارالرائد  
العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۶ ق.

الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه  
اسلامیه، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.

راهنمای تبارشناسی و سال شمار تاریخ اسلام، زامباور، ادوارد ریتر فون (۱۸۶۶ - ۱۹۴۷)، هانور، ۱۹۲۷، ترجمه عربی،  
برگه ۲۰. ترجمه پارسی آن: نسب‌نامه خلفا و شهیاران، محمدجواد مشکور، کتاب‌فروشی خیام، تهران، ۲۵۳۶ ش / ۱۳۵۶ خ.

رسالة الطیر ابن سینا

رسالة الطیر ابن سینا، ترجمه اخسیکتی احمد فرزند قاسم فرزند احمد فرزند خدیو (سده ۶هـ / ۱۲ م) نسخه آن که در ۸۹۸  
/ ۱۴۹۲ م رونویسی شده، نک: فهرست مجلس، حایری، ج ۵، ۴۱۲.

رسالة الطیر ابن سینا، ترجمه ملا وجیه‌الدین که به گفته دکتر مهدوی نسخه‌اش به شماره ۳۶۸۸ در کتابخانه اسعد افندی  
هست.

رسالة الطیر، ابوحامد محمد فرزند محمد غزالی شافعی، ملقب به حجة الاسلام زین‌الدین طوسی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق / ۱۰۵۸ -  
۱۱۱۱ م)، مصر ۱۳۱۹ و ۱۳۲۸ و ۱۳۴۳ و ۱۳۵۳ ششمین از هفت رساله مجموعه الجواهر الغوالي؛ همراه با رساله طیر  
ابن سینا، بیروت، ۱۹۱۱ م.

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۲۰

- رسالة غربة الغربية، شهرزوری این را به همین نام یاد کرده، ریتز آن را به نام (الغربة الغربية) آورده.
- شهاب‌الدین سهروردی مقتول، حسین نصر، ترجمة رضا ناظمی، در تاریخ فلسفه در اسلام، به کوشش میان محمدشریف، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲خ.
- شواکل الحور في شرح هياكل النور للسهروردي، ملا جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ق / ۱۵۰۲م)، تصحیح و مقدمه محمد عبدالحق و محمد یوسف کوکن، چ. مدراس هند، ۱۹۵۳م.
- طبقات أعلام الشيعة، الأنوار الساطعة في المائة السابعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م.
- طبقات الأطباء، ابن‌ابی‌اصیبه: نک کتاب عیون الأنباء  
عیون الأنباء في طبقات الأطباء، ابن‌ابی‌اصیبه، چ. امرؤالقیس بن طحان (آوگوست مولر)، کونیگسبرگ و قاهره ۱۲۹۹ / ۱۸۸۲، چاپ افست انگلستان ۱۹۷۲م؛ ترجمه محمد ابراهیم ذاکر، انجمن گیاه‌درمانی، تهران، ۱۳۹۳خ.
- غربة الغربية سهروردی  
فتوحات مکیه؛ گشایش‌های مکی؛ الفتوحات المکیة في معرفة أسرار المالکیة و الملكية، محیی‌الدین ابن‌عربی (۵۶۰ - ۶۳۸ق)، چ. قاهره، ۱۳۲۹ق.
- فرقه اسماعیلیه، مارشال گودوین سیمز هاجسن (۱۹۲۲ - ۱۹۶۸م)، ترجمه فریدون بدره‌ای (۱۳۱۵ - ۱۴۰۰خ)، نشر علمی و فرهنگی، تهران، چ. ششم، ۱۳۸۷خ.
- فصل الخطاب فيما بين الشريعة و الحكمة من الاتصال [فصل المقال فی تقرير ما بین الشريعة و الحكمة من الاتصال]، ابن‌رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، با آوازه حفید، نواده ابن‌رشد اول (۴۵۷ - ۵۲۰ق)
- فصل المقال في تقرير ما بين الشريعة و الحكمة من الاتصال، ابن‌رشد، ابوالولید محمد بن احمد بن محمد بن رشد، حفید ابن‌رشد اول (۴۵۷ - ۵۲۰ق)، تصحیح نادر بیر نصری، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۸۶م؛ دیگر: ترجمه جعفر سجادی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۶خ.
- قرآن، سورة رعد، شماره ۱۳، آیت ۱۷

کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۲۱

- کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در خاورمیانه از گذشته تا سده نهم، دکتر علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، مجله چیستا، شماره یک، سال چهاردهم، شماره ردیف ۱۳۱، مهر ۱۳۷۵، برگه ۵۵ - ۶۴
- کنفوسیوس
- کیمیای سعادت، ابوحامد محمد فرزند محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق)، تصحیح حسین خدیوچم، تهران، ۱۳۶۱خ.
- مجموعه مصنفات شیخ اشراق، یحیی بن حبش سهروردی، چاپ هانری کوربن، تهران ۱۳۵۵خ.
- مدارس شیراز در سده نهم، دکتر علی‌نقی منزوی، مجله چیستا، آبان و آذر ۱۳۷۵، شماره ۲ و ۳، سال چهاردهم، شماره ردیف ۱۳۲ - ۱۳۳، برگه ۱۶۱ - ۱۷۵.
- مُرجیان که بودند و چه گفتند؟، علینقی منزوی، مجله کاوه، مونیخ، شماره ردیف ۶۱، سال سیزدهم، شماره پنج، آذرماه ۱۳۵۴، ذی‌قعدة ۱۳۹۶، نوامبر ۱۹۷۶م، برگه ۸ - ۱۳.
- المعتبر في الحكمة، هبة الله فرزند علی فرزند ملکا ابوالبركات بغدادی (۴۵۴ - ۵۴۷ق / ۱۱۵۲م)، مطبعة مجلس، دائرة المعارف العثمانية، حیدرآباد، دکن، ۱۹۳۸م / ۱۳۵۸ق؛ افسست و گردآوری فتحعلی اکبری، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳خ.
- مقاصد الفلاسفة غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق)
- مقاصد الفلاسفة، أو تهافت الفلاسفة *The Incoherence of the Philosophers* غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق / ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱م) ابوحامد محمد بن محمد بن محمد امام حجت الاسلام غزالی طوسی، به کوشش موريس بريچ، المطبعة الكاثوليكية، بيروت، ۱۹۳۷م؛ دیگر: تحقیق سلیمان دنیا، دارالمعارف، مكتبة عين الجامعة، مصر؛ دیگر: تحقیق محمود بیجو، مطبعة الصباح، دمشق، ۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م.
- نسب‌نامه خلفا و شهریاران، زامباور، ادوارد ریتر فون (۱۸۶۶ - ۱۹۴۷)، هانور، ۱۹۲۷، محمدجواد مشکور، کتاب‌فروشی خیام، تهران، ۲۵۳۶ش / ۱۳۵۶خ.
- نصوص ضائعة من كتاب الوزراء و الكتاب، ابن‌عبدوس جهشیاری (د: ۳۳۱ق)، چاپ میخائیل عواد، بیروت، ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م.



کشاکش خردگرایی با قشرگرایی در  
خاورمیانه از گذشته تا سده نهم

۲۲

هیاکل النور، شهاب‌الدین یحیی فرزند حبش (ک: ۵۸۷ق)، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۳۵ق / ۱۹۱۶م؛ دیگر: ج. مصر، ۱۹۵۷م.

ودا

الوزراء و الكتاب، ابن عبدوس جهشیاری (د: ۳۳۱ق)، چاپ عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره، مصر، ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م.  
وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان مما ثبت بالنقل والسمع و أثبتته العیان، ابن خلکان احمد فرزند محمد برمکی اربلی (۶۰۸ - ۶۸۱ق)، میرزا محمدحسن خان شیخ جابری انصاری دستور ظل السلطان به فارسی برگرداند. وفیات الاعیان در سال ۱۲۸۴ق توسط معتمدالدوله فرهاد میرزا همراه با ویرایش و افزوده‌هایی به عربی چاپ شد؛ چاپ دیگر به کوشش احسان عباس، دارالفکر، بیروت، لبنان.

یتیمه الدهر، یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر؛ یا یتیمه الدهر فی شعراء أهل العصر، ثعالبی، ابومنصور عبدالملک نیشابوری (د: ۴۲۹ق)، به کوشش علی محمد عبداللطیف، مطبعة المصاری، قاهره، مصر، ۱۳۵۲ق / ۱۹۳۴م.

دکتر علی نقی  
نیمزوی